



فشارهای اقتصادی عباسیان

آنها به منظور تضعیف نیروهای مبارز اهل بیت، آنان را تحت فشار اقتصادی قرار دادند!

امیه، این بار بدست بنی عباس اجرا گردید بطوری که مردم، بازگشت حکومت اموی را آرزو نمودند. سیاست فشار اقتصادی ابوجعفر منصور (نخستین خلیفه معاصر پیشوای هفتم و دومین خلیفه عباسی)، مردی ستمگر و خونریز و سنگدل بود. او جامعه اسلامی را به بدبختی کشیده جان مردم را به لب رسانده بود و پاسخ کوچکترین انتقاد را با شمشیر می داد.

او علاوه بر ستمگری، فوق العاده پول پرست، بخیل، و تنگ چشم بود و در میان خلفای عباسی در بخل و پول پرستی زبانزد خاص و عام بود بطوری که در کتب تاریخ درباره بخل و مال دوستی افراطی او داستانها نقل کرده اند. ولی سختگیر به وفشارهای مالی و تزییقات طاقت فرسای اقتصادی او، تنها با بخل و دنیا پرستی قابل توجه نیست، زیرا

بنی عباس در آغاز کشمکش با بنی امیه، شعار خود را طرفداری از خاندان پیامبر (ص) (بنی هاشم) و اجرای عدالت اجتماعی قرار دادند و در واقع در پرتو خونخواهی بنی هاشم، و در اثر جنایتهای بیحد بنی امیه روی کار آمدند. و از آنجا که مظلومیت خاندان پیامبر (ص) در زمان حکومت امویان، دلهای مسلمانان را جریحه دار ساخته بود، و از طرف دیگر امویان بنام خلافت اسلامی از هیچ ظلم و ستمی فروگذار نکردند، بنی عباس با استفاده از تنفر شدید مردم از بنی امیه، و بعنوان طرفداری از خاندان پیامبر (ص) توانستند در ابتدای امر، پشتیبانی مردم را جلب کنند.

ولی نه تنها وعده های آنان در مورد خاندان پیامبر (ص) و اجرای عدالت اجتماعی عملی نشد، بلکه طولی نکشید که برنامه های ضد اسلامی بنی-

«اعراب چادر نشین در ضرب المثل خود خوب گفته اند که؛ **سگ خود را گرسنه نگهدار تا به طمع نان دنبال تو بیاید!!**

در این هنگام یکی از حضار که از این تعبیر زنده سخت ناراحت شده بود، گفت؛ «می ترسم شخص دیگری، قرص نانی به این سگ نشان بدهد و سگ به طمع نان دنبال او برود و تو را رها کند!» (۲)

منصور نه تنها در دوران زمامداری خود، برنامه سیاه گرسنگی را اجرا می کرد، بلکه این برنامه ضد انسانی را به فرزندش مهدی نیز تعلیم می داد، او ضمن یکی از وصیتهای خود به پسرش مهدی گفت:

«من مردم را بطرق مختلف، رام و مطیع ساختم اینک مردم سه دسته اند؛ **گروهی فقیر و بیچاره اند و همیشه دست نیاز به سوی تو دراز خواهند کرد، گروهی متواری هستند و همیشه از جان خود می ترسند، و گروه سوم در گوشه زندانها بسر می برند و آزادی خود را فقط از رهگذر عفو و بخشش تو آرزو می کنند، وقتی که توبه حکومت رسیدی در طلب رفاه و آسایش خیلی به مردم میدان نده!**» (۳)

این حقایق نشان می دهد که این برنامه، به منظور تحکیم پایه های حکومت منصور، و برای جلوگیری از جنبش و مخالفت مردم، از طریق تضعیف و تحلیل گروهی مبارز، طرح شده بود و تنها حساب صرفه جویی و سختگیری در خرج اموال دولتی در میان

رفتار او مافوق یک پستی طبع و مال دوستی بیمارگونه بود. او در زمان خلافت خود، اقتصاد جامعه اسلامی را فلج کرد و مردم را از هستی ساقط نمود، او نه تنها اموال عمومی مسلمانان را در خزانه دربار خلافت بصورت گنج گرد آورد و از صرف آن در راه عمران و آبادی و رفاه و آسایش مردم خودداری کرد، بلکه آنچه هم در دست مردم بود، بزور از آنها گرفت و برای احدی مال و ثروتی باقی نگذاشت بطوری که طبق نوشته برخی از مورخان، مجموع اموالی که وی از این طریق جمع کرد، بالغ بر **هشتصد میلیون درهم می شد!** (۱)

این برنامه وسیع و گسترده که در سطح مملکتی اجرا می شد، برنامه ای نبود که بتوان آن را صرفاً به بخل ذاتی و پول پرستی افسراطی منصور مستند دانست بلکه قرائن و شواهدی در دست است که نشان می دهد برنامه گرسنگی و فلج سازی اقتصادی، یک برنامه حساب شده و همگانی بود که منصور در پی مقاصد خاصی آن را دنبال می کرد.

هدف منصور از این سیاست اقتصادی این بود که مردم، نیازمند و گرسنه و متکی به او باشند و همیشه در فکر سیر کردن شکم خود بوده مجال اندیشه در مسائل بزرگ اجتماعی نداشته باشند.

او روزی در حضور جمعی از خواص درباریان خود، بالحن زنده ای، انگیزه خود را از گرسنه نگهداشتن مردم چنین بیان کرد:

۱- تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۱۲۵

۲- اجمع کلبک یتبعک (حیة الامام موسی بن جعفر ج ۱ ص ۳۶۹)

۳- تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۱۳۳

نبود .

موج کشتار و خون

سیاست ضد اسلامی منصور، منحصر به ایجاد گرسنگی و قطع عواید مردم نبود، بلکه گذشته از فشار اقتصادی و فقر و پریشانی، رعب و وحشت و اختناق عجبی در جامعه حکمفرما بود و موجی از کشتار و خون بوسیلهٔ عمال و دؤخیمان منصور برافزاده بود و هرروز گروهی قربانی این موج خون می شدند .

البته این اختناق، در تمام قلمرو حکومت منصور پیداد می کرد ولی در این میان شهر «مدینه» بیش از هر نقطهٔ دیگر زیر فشار و کنترل بود زیرا مردم مدینه بحکم آنکه از روز نخست، از نزدیک با تعالیم اسلام و سیستم حکومت اسلامی آشنائی داشتند، هرگز حاضر نبودند زیر بار حکومت های فاسدی مثل حکومت منصور بروند و هر حکمی را بنام دستور اسلام نمی پذیرفتند . بعلاوه، پس از رحلت پیامبر (ص)، شهر مدینه اغلب، محل تشکیل مکتب پیشوایان بزرگ اسلام بود و رجال بزرگ خاندان وحی که هر کدام در عصر خود رسالت حفظ اسلام و ارشاد جامعهٔ اسلامی را عهده دار بودند، تازمان پیشوای هشتم، در مدینه اقامت داشتند (۱) و وجود آنها همواره نیروبخش جنبش های اسلامی مسلمانان مدینه بشمار می رفت .

در زمان خلافت منصور، پیشوای ششم و بعد از رحلت آن حضرت، فرزند ارجمندش موسی بن جعفر (ع) مرکز ثقل مبارزات اسلامی بشمار می رفتند و مدینه کانون گرم جنبشها و نهضت های اصیل اسلامی بر ضد استبداد و خود کامگی زمامداران ظالم محسوب می شد .

مدینه در محاصرهٔ اقتصادی !

پس از قیام «محمد بن عبدالله بن الحسن» معروف به «نفس زکیه» (نوادهٔ امام حسن مجتبی (ع)) در اواخر حیات امام صادق (ع)، منصور برای درهم شکستن نهضت شهر مدینه، شخصی بسیار بیرحم و خشن و سنگدلی بنام «ریاح بن عثمان» را به فرمانداری مدینه منصوب نمود، ریاح پس از ورود به مدینه، مردم را جمع کرد و ضمن خطبه ای چنین گفت :

«ای اهل مدینه ! من افعی وزادهٔ افعی هستم !، من پسر عموی «مسلم بن عقبه» هستم که شهر شما را به ویرانی کشید و رجال شما را نابود کرد (۱) بخدا سوگند اگر تسلیم نشوید شهر شما را درهم خواهم کوبید بطوری که اثر زندگی در آن باقی نماند» !

در این هنگام گروهی از مسلمانان از جا برخاستند و بعنوان اعتراض فریاد زدند ؛ «شخصی مثل تو که سابقه ای ننگین در اسلام داری و پدرت و بار بواسطهٔ

۱- به استثنای اقامت کوتاه مدت حضرت امیر مؤمنان (ع) در کوفه .

۲- مسلم بن عقبه یکی از فرماندهان نظامی یزید بن معاویه بود که بفرمان او به شهر مدینه حمله کرد و با سربازان خود، سه روز مدینه را غارت کرد و سیل خون براه انداخت و بواسطهٔ جنایتهائی که مرتکب شد، مسرف بن عقبه لقب گرفت !

گردید بطوری که وی را بالای منبر سنگباران کردند و او برای حفظ جان خود ، از مجلس فرار کرد و پنهان گردید... (۱)

منصور بدنبال این جریان تهدید خود را عملی کرد و با قطع راههای تجاری ، مدینه را در محاصره اقتصادی قرار داد و این محاصره تا زمان خلافت پسر وی «مهدی عباسی» ادامه داشت (۲)

بدین ترتیب مدینه کانون گرم مبارزات اسلامی و سنگر بزرگ قیامها و نهضتهای متعدد بر ضد خلفای ستمگر بود و اینها همه از پرتو مکتب پیشوایان دینی بود که در آن شهر تأسیس شده بود. دشمن نیز می دانست آتش این انقلابها از کجا روشن می شود و به همین دلیل فشار و کنترل بیش از همه ، متوجه فرزندان علی (ع) و رجال بنی هاشم بود و آنان بیش از همه قربانی دادند .

ارتکاب جرم ، تازیانه حد (کیفرا سزومی) خورده ، کوچکتر از آن هستی که این کار را انجام دهی ، ماهرگز اجازه نخواهیم داد با ما چنین رفتار کنی.»

«ریاح» به منصور گزارش داد که مردم مدینه شورش نموده از او امر خلیفه اطاعت نمی کنند . منصور نامه تندی بوسیله وی به اهل مدینه نوشت و طی آن تهدید کرد که اگر به روش مخالفت جویانه خود ادامه دهند ، راههای بازرگانی را از خشکی و دریا بروی آنها بسته و آنها را در محاصره اقتصادی قرار خواهد داد و با اعزام قوای نظامی دمار از روزگار آنها در خواهد آورد

«ریاح» مردم را در مسجد گرد آورد و بر فراز منبر رفت و شروع به قرائت نامه خلیفه کرد ، هنوز نامه را تا آخر نخوانده بود که فریاد اعتراض مردم از هر طرف بلند شد و آتش خشم و ناراحتی مردم شعله ور

از عجائب آفرینش

مورچه همان حیوان ریز کوچک ، حیوانی است که قادر است چهار برابر وزن خود را از زمین بردارد و در مقایسه با نیروی انسان مانند شخصی است که قادر باشد ۲۶۰ کیلوگرم وزنه را از جای بردارد . با محاسباتی که بعمل آمده مسافتی را که مورچه در روز طی میکند در مقایسه با انسان مانند شخصی است که در روز ۴۵۰ کیلومتر راه طی طریق کند .

۱- مدرک گذشته ص ۱۱۱

۲- کامل ابن اثیر ج ۵ ص ۲۰۵